

غریزه تقلید، یکی از غرایز نیرومند و ریشه‌دار در انسان است. به برکت وجود همین غریزه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر معاشران فرا می‌گیرد و به کار می‌بندد.

چشم و گوش کودک چون دریچه‌ای باز است؛ می‌بیند و می‌شنود، ذهنش چون آینه است که هر چیزی در آن منعکس می‌شود با این تفاوت که آینه، عکس شی را همیشه در خود نگه نمی‌دارد ولی ذهن کودک آن را در خود ضبط می‌کند. کودک حتی شیوه فکر مادر را نیز درک می‌کند و آنچه برداشت می‌نماید، ممکن است سازنده و یا ویرانگر باشد.

مادر می‌تواند با رفتار خود خصلت‌هایی هم چون امانت، صداقت، وفای به عهد و... را در کودک احیاء کند و یا آن‌ها را از میان ببرد.

انسان در تمام عمر، کم و بیش از دیگران تقلید می‌کند اما در سنین یک تا شش سالگی، بیش‌تر از این غریزه برخوردار است. کودک تا مدتی از مصالح و مفاسد واقعی امور چندان اطلاعی ندارد و نمی‌تواند برای کارهایش هدف‌های عاقلانه و درستی تعیین کند. در این مدت تمام توجهش به پدر و مادر و سایر معاشران است؛ اعمال و حرکت آن‌ها را مشاهده و از آنان تقلید می‌کند. تقلید خود به خود انجام می‌گیرد و احتیاجی به تذکر ندارد.^(۱)

کودک بعد از گذشتن از این مرحله درمی‌یابد که دنیای اطراف او بر خلاف باور اولیه‌اش - که می‌پنداشت دنیا قائم به ذات اوست - در روال عادی خود جریان دارد. او در این احساس درمی‌یابد که افراد موجود در محیط زندگی او، هر یک به ایفای نقش خاص خود سرگرم هستند. کودک با این دریافت، کنجکاو می‌شود تا نقش هر یک از آن‌ها را بررسی کرده و ویژگی‌های آن را

شرحی بر جلوه‌های رفتاری امام

خمینی رحمته الله با کودکان و نوجوانان (۳)

بازی‌های تقلیدی کودکان

محمد رضا مطهری



کسب نموده و به اعصاب و عضلات خویش تسلط بیش‌تری پیدا می‌کنند و از این طریق خودشان را برای زندگی آینده آماده می‌نمایند.

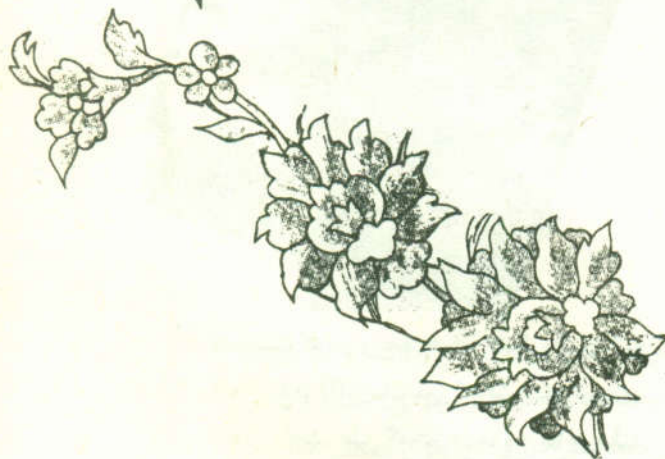
حضرت امام خمینی رحمه الله که دنیای کودکان را به خوبی درک می‌کرده‌اند، معمولاً زمینه مناسبی را برای این‌گونه بازی‌ها فراهم می‌نموده‌اند.

عیسی جعفری نقل می‌کند: «زمانی که روزنامه برای امام می‌بردم، علی را هم می‌بردم. علی آن جا می‌ماند و به آقا می‌گفت: «آقا! حالا من می‌خواهم یک روضه بخوانم، حالا شما علی باش من آقا.» می‌رفت روی صندلی می‌نشست و بسم‌الله

دریابد، آن‌گاه موقعیت خود را در رابطه با محیط و افراد، سنجیده و نقشی جهت ایفا به عهده می‌گیرد. اجرای این نقش‌ها - آن‌چنان که در ابتدا تصور می‌نمود - چندان آسان نیست، بنابراین کودک باید آن‌ها را تجربه کند.

در این زمان کودک به تقلید نقش‌هایی که در باور او جای مستحکمی یافته‌اند مانند والدین، پدر بزرگ، مادر بزرگ، برادران، خواهران و دوستان می‌پردازد و از ایفای نقش آن‌ها، بزرگ‌ترین لذت و تجربه را به دست می‌آورد. کسب لذت برای او باعث تداوم تجربه می‌شود و این تجربه را به دنیای بازی خود منتقل می‌کند و به ایفای نقش‌های مورد علاقه خویش می‌پردازد. (۲)

کودک از طریق بازی‌های تقلیدی، به تدریج خصوصیات و ویژگی‌های افراد مورد علاقه خویش را به درون افکنده و آن‌ها را جزئی از خصوصیات و ویژگی‌های خود می‌نماید. کودکان از طریق بازی‌های تقلیدی، یک سری مهارت‌های جدید را

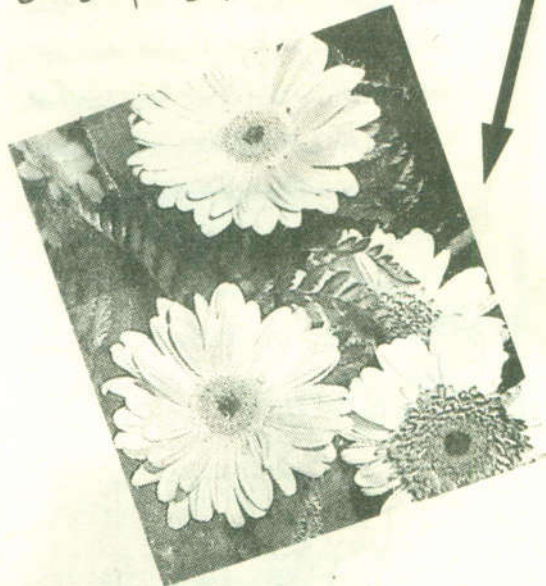


الرحمن الرحیم می‌گفت و حمدش را می‌خواند و بعد مشتش را گره می‌کرد و می‌گفت: من دولت تعیین می‌کنم، من توی دهن این دولت می‌زنم. استقلال آزادی جمهوری اسلامی.»



گاهی به آقا می‌گفت: «من دکترم، می‌خواهم معاینه‌ات کنم.» یک گوشی برمی‌داشت و می‌گذاشت روی قلب و سینه امام.^(۳) دکتر فاطمه طباطبایی نیز در این باره چنین می‌گوید:

«یک روز که همه دور هم در اتاق جمع بودیم، علی گفت: «من می‌شوم امام، مادر هم سخنرانی کند، آقا بشوند مردم.» علی از من خواست که سخنرانی کنم. من کمی



صحبت کردم و بعد به آقا اشاره کرد که شعار بده، آقا همان‌طور که نشسته بودند، شعار دادند. علی گفت: «نه، نه باید بلند شوید، مردم که نشسته شعار نمی‌دهند!» بعد «آقا بلند شدند و شعار دادند.»^(۴) عیسی جعفری در جای دیگر، درباره این‌گونه بازی‌ها نقل می‌کند:

«علی خیلی به امام علاقه داشت. در مقابل، آقا هم خیلی به ایشان علاقه‌مند

بودند. روزی نبود که علی امام را نبیند. حتی وقتی که [امام] قبل از ظهر می‌خوابیدند، ما مواظب بودیم که مبادا [علی] برود و در بزند و آقا را از خواب بیدار کند. همیشه امام ساعت یک ربع به دوازده برای نماز بیدار می‌شدند و وضو می‌گرفتند. یک روز ساعت یک ربع به دوازده شده بود و ما دیدیم مثل این که امام هنوز بیدار نشده‌اند. گفتیم: علی! مثل این که آقا بیدار نشده‌اند.» [علی] گفت: «برویم تو» گفتیم: «نه». هر چه گفتیم، او اصرار می‌کرد برویم تو. خلاصه در را باز کردیم و دیدیم ایشان خوابیده‌اند. این بچه خودش را روی آقا انداخت و آقا را بیدار کردند. ایشان بدون این که کوچکترین حرفی بزنند یا تقلایی کنند بچه را بغل کردند و درآغوش گرفتند و بیدار کردند به بوسیدنش.»^(۵) عادت امام این بود که وسط دو نماز دراز می‌کشیدند و ورزش می‌کردند و پاهایشان را یک در میان بالا می‌بردند. علی هم می‌خواست همان کار را بکند، می‌خوابید و مثل امام پاهایش را بالا می‌گرفت.^(۶)

یکی از اشکال سازگاری‌های اجتماعی، تقلید است؛ این امر در زندگی تمام افراد به خصوص بچه‌ها معمول می‌باشد. چنانچه می‌دانیم آشنایی بچه‌ها با فرهنگ جامعه در سنین اولیه از راه تقلید از بزرگ‌ترها صورت می‌گیرد.

کودک، نخست از خویشان تقلید می‌نماید، مانند این که وانمود می‌کند

خود با کودک به ویژه در سنین پیش دبستانی و دبستانی از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است.

کودک در دوران دبستان به مرور با صاحبان مشاغل آشنا شده، و از نقش آنها متأثر می‌شود و این اثر را در بازی خود منعکس می‌کند. پسران کارها و مشاغل را تقلید می‌کنند که بیشتر مربوط به مردان است و دختران علاقه‌مندند که فعالیت‌های



مربوط به مادران را تکرار کنند؛ مثلاً پسرها دوست دارند که نقش پلیس، خلبان، معلم، راننده، مغازه‌دار و... را بازی کنند در حالی که دختران ذوق فراوان دارند که در نقش مادر و پرستار کارهایی از قبیل آشپزی کردن، آطو زدن لباس، شست و شو، تمیز کردن خانه و... را به صورت بازی انجام دهند. لذا لازم و ضروری است که در این دوران، مربیان فرصت‌هایی را فراهم آورند تا

می‌خواهد به زمین بخورد و یا یک چیز تخیلی را به دیگران می‌دهد. سپس زمانی فرا می‌رسد که با وانمود کردن این که روزنامه می‌خواند و یا سیگار می‌کشد، نقش دیگران را بازی می‌کند. بازی‌های تقلیدی که تا اندازه‌ای مستلزم همانندسازی با الگوهای مورد تقلید می‌باشند، می‌توانند یک وسیله ورزیده شدن برای شناخت و درک چشم اندازه‌های دیگران و یا سلاحی علیه خود محوری باشند.

تحول بازی‌های تقلیدی نشان می‌دهد که این بازی‌ها فرصتی را فراهم می‌آورد که تعدادی از صفات، بروز داده شوند. در این فرصت کودک همانند دیگران عمل کرده و سعی می‌کند رفتارهای آنان را تقلید نماید.^(۷)

از طریق تقلید این توانایی در کودک پدید می‌آید که بیش از پیش به تطابق رفتار خود با الگو بپردازد. کودک در بازی‌های تقلیدی خود در دوران دبستان بیش تر نقش مربیان و معلمان را در نظر دارد. او با تشکیل کلاس درس برای خود، سعی می‌کند تا آن چه را که مربی او انجام داده تجربه نماید. ایفای این تجربه عاملی مهم در تشکیل شخصیت کودک است، به طوری که می‌توان تا سال‌های سال نحوه رفتار معلم و مربی را که در بازی کودک انعکاس یافته، بر روی ساخت شخصیتی او به وضوح مشاهده کرد.

بنابراین توجه مربیان به چگونگی رفتار



و بر اعصاب و عضلات خویش تسلط
بیش‌تری پیدا می‌کند.

۵- آشنایی کودک به فرهنگ جامعه در
سنین اولیه از راه تقلید از بزرگ‌ترها صورت
می‌گیرد.

۶- امام خمینی رحمته الله علیه به نیازهای روحی و
روانی کودکان توجه داشته و در زمانهای
لازم، پاسخ مناسب را می‌داده‌اند:

- از بازی‌های کودکان و انواع بازی‌های
آنان آگاه بوده و زمینه بروز و ظهور هر یک
از بازی‌ها را برای کودکان فراهم می‌کرده‌اند؛
- از این‌که کودکان بخواهند نقش ایشان
را ایفا نمایند و جملات ایشان را ادا نمایند،
ناراحت نشده بلکه خودشان این بستر و
زمینه را برای کودکان فراهم می‌کرده‌اند؛

- با توجه به وضعیت جسمانی و
بیماری‌های قلبی که داشتند، مانع بازی‌های
نوه گرامی‌اشان نمی‌شدند. در واقع امام به
سیادت، آقایی و فرماندهی کودک در این
سن معتقد بوده و عمل می‌کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محسن شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی
(مبانی و روشها)، ص ۱۰۸-۱۰۹.
- ۲- سیامک رضا مهجور، روان‌شناسی بازی، ص
۲۵۴.
- ۳- امیر رضا ستوده، پا به پای آفتاب، گفته‌ها و
ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲، ص ۶۵.
- ۴- همان، ج ۱، ص ۱۹۰.
- ۵ و ۶- همان، ج ۲، ص ۶۴.
- ۷- محمدعلی احمدوند، روان‌شناسی بازی،
ص ۷۷ به نقل از روان‌شناسی کودک سیروس عظیمی،
ص ۴۱۰ تا ۴۱۲.

کودکان از طریق بازدید و مشاهده مستقیماً
با مشاغل گوناگون آشنا شوند. ^(۸)

پیام‌ها و نتایج

۱- کودک از طریق بازی‌های تقلیدی
بسیاری از مفاهیم دینی، اخلاقی،
اجتماعی و آموزشی را یاد می‌گیرد.

۲- کودک از طریق تقلید از والدین و
سایر الگوها، خوبی خصلت‌های پسندیده و
یا زشت و ناروا را یاد می‌گیرد.

۳- هر قدر شخصیت الگوهای بزرگ
سال برای کودک محبوب‌تر، دوست داشتنی
و مهربان‌تر باشند، در بازی‌های تقلیدی از
نقش آنان بیش‌تر استفاده می‌کنند.

۴- کودک از طریق بازی‌های تقلیدی،
ویژگی‌های افراد مورد علاقه را تقلید نموده
و ویژگی‌های آنان را درونی و جزئی از
خصوصیات خود می‌نماید، از این طریق
یک سری مهارت‌های جدید را کسب نموده